

روند مواجهه آمریکا و روسیه با تروریسم؛ از تقابل تا تعامل^۱

لیلا مروتی^۲

ارسلان قربانی شیخ نشین^{۳*}

سید علی منوری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۹

چکیده

واقعه یازده سپتامبر و اهمیت یافتن بیش از پیش تروریسم، کشورها را وادار نمود که برخورد جدی با این مسأله و تهدید امنیتی داشته باشند. ایالات متحده آمریکا و روسیه به عنوان دو ابر قدرت در غرب و شرق نظام بین الملل همواره مواضع ضد تروریستی خود را اعلام نموده و اقدامات عملی فراوانی در جهت مقابله با تروریسم در سیاست خارجی و در مناطق تحت نفوذ خود اتخاذ نموده‌اند. بر این اساس، مقاله پیش رو، تلاشی در جهت تحلیل و بررسی رویکرد ضد تروریستی آمریکا و روسیه است و مقایسه استراتژی و سیاست‌های ضد تروریستی این دو کشور هدف اصلی انجام این پژوهش می‌باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که «روند مواجهه آمریکا و روسیه با تروریسم و عملکرد ضد تروریستی آن‌ها در مناطق مختلف چگونه است و بر چه مبنایی استوار است؟ فرضیه پژوهش این است که آمریکا و روسیه به دلیل ادراکات متفاوت، رویکرد ضد تروریستی یکسانی ندارند و در زمینه اتخاذ استراتژی و سیاست‌های منطقه‌ای برای مبارزه با تروریسم اختلافات زیادی در مواضع راهبردی دو کشور وجود دارد. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و ارزیابی اسناد امنیت ملی آمریکا و روسیه می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که به دلیل ماهیت هرمنوتیکی و پویای تروریسم، روسیه و آمریکا تعریف و درک یکسانی از این پدیده ندارند و در تعیین مصادیق تروریسم و نحوه‌ی مواجهه با آن اختلاف دیدگاه دارند. همچنین بر مبنای این ادراکات متفاوت، اولویت‌های منطقه‌ای متفاوتی نیز دارند.

واژگان کلیدی: آمریکا، روسیه، یازده سپتامبر، مبارزه با تروریسم، سیاست منطقه‌ای.

۱. این اثر مستخرج از رساله دکتری با عنوان «معمای همکاری دولت‌ها در مقابله با تروریسم؛ مفصل بندی یک گفت‌وگو فراگیر» می‌باشد و تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور «INSF» و برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۰۵۷۳۸» انجام شده است.

۲. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی تهران

۳. استاد گروه روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی تهران

* نویسنده مسئول: arsalangh@yahoo.com

۴. دانشیار روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی تهران

مقدمه

تروریسم یک اصطلاح سیاسی است که اغلب مردم از آن برای اشاره به خشونت سیاسی و تاکتیک‌های سیاسی رعب‌انگیز استفاده می‌کنند. اصطلاح تروریسم پیچیدگی معنایی دارد به نحوی که تعاریف مختلفی را در برمی‌گیرد و یک معنای واحد و مشخص نیست. تروریسم به عنوان یک پدیده پیچیده، نوعی خشونت، تهدید هشدار دهنده، روشی برای مبارزه یا یک استراتژی برای رسیدن به اهداف خاص با هدف ایجاد رعب و وحشت در قربانی تعریف می‌شود، این امر ظالمانه است و هنجارهای بشردوستانه استراتژی اصلی تروریسم مبنی بر کشتن افراد بی‌گناه و تخریب اموال در جهت ایجاد وحشت گسترده را در هیچ جای جهان تأیید نمی‌کند. تروریسم در همه‌ی اشکال خود یک تهدید جدی و اساسی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود. یکی از دلایلی که تروریسم به عنوان یکی از نگرانی‌های اصلی امنیت جهانی می‌باشد، این است که در سال‌های اخیر با یک اولویت امنیت جهانی دیگر یعنی، گسترش سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیکی، شیمیایی و کشتار جمعی همراه شده است. بنابراین، مبارزه علیه تروریسم، مقابله با اعمال تروریستی و خلع سلاح گروه‌های تروریست به یک اولویت جهانی و ضرورت اصلی برای همه کشورها تبدیل شده است. بر مبنای ماهیت ارزشی و تفسیری تروریسم، الگوهای رفتاری بازیگران نظام بین‌الملل در زمینه‌ی مبارزه با تروریسم و نوع نگاه و تعریف خاص هر کنشگر از پدیده تروریسم متفاوت است. از این رو، هر بازیگر بر اساس هویت شناخته شده و تعریف شده‌ی خود، یک برداشت مفهومی از «خود» و «دیگری» دارد. به گونه‌ای که این برداشت تفسیری، زمینه‌ی رویکردهای رفتاری آن‌ها و بازنمایی تروریسم در سیاست خارجی کشورها را فراهم می‌سازد. ضرورت مقابله با تروریسم در استراتژی‌های امنیتی آمریکا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اگر چه تهدید تروریسم برای غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا موضوع جدیدی نیست و مقابله با آن همواره در قوانین و سیاست‌های داخلی و خارجی آمریکا وجود داشته است اما به طور کلی پس از حملات یازده سپتامبر به عنوان یک اصل تعیین کننده در محاسبات امنیتی آمریکا عنوان شد؛ از این رو اتخاذ استراتژی‌های مناسب برای مهار و

نابود سازی تروریسم به عنوان یک اولویت امنیتی در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت. روسیه به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در عرصه‌ی بین‌المللی پدیده‌ی تروریسم و افراط‌گرایی را به عنوان خطری بالقوه و بالفعل برای امنیت ملی روسیه در نظر می‌گیرد. بالاخص روسیه نگران وضعیت تروریسم در کشورهای واقع در آسیای مرکزی است. چون هرگونه تحول در آن کشورها دروازه‌ای به سوی روسیه است. از این رو، تهدیدات تروریستی در آسیای مرکزی بیش از هر چیز می‌تواند منافع مسکو را با خطر مواجه کند. از این رو، قلمرو زمانی پژوهش حاضر از زمان حملات تروریستی یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ تا کنون می‌باشد. قلمرو مکانی نیز شامل دو کشور آمریکا و روسیه و در محدوده موضوعی سیاست منطقه‌ای این دو کشور در مناطق خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. بر این اساس، بررسی رویکرد ضدتروریستی آمریکا، روسیه، به عنوان دو بازیگر مهم نظام بین‌الملل، و مقایسه‌ی روند مواجهه‌ی دو کشور با تروریسم هدف اصلی این پژوهش می‌باشد. و این مقاله به در پی پاسخ به این سؤال است که رویکرد ضد تروریستی و روند مواجهه آمریکا و روسیه با تروریسم چگونه قابل تحلیل است؟ و سیاست خارجی این دو کشور در مناطق مختلف برای مبارزه با تروریسم بر چه مبنایی استوار است؟

۱. ادبیات پژوهش

در این قسمت از پژوهش سعی شده است آثار موجود در زمینه‌ی پژوهش حاضر مورد ارزیابی قرار گیرد. در این راستا می‌توان گفت در رابطه با تروریسم و راه‌های مبارزه و مقابله با آن منابع متعدد و فراوانی اعم از مقاله و کتاب نگاشته شده است از این رو، می‌توان گفت ادبیات پژوهش در حوزه‌ی مطالعاتی تروریسم غنی می‌باشد. در خصوص تحقیق حاضر نیز منابع بسیاری در رابطه با اقدامات ضد تروریستی و مقابله جویانه ایالات متحده آمریکا و روسیه علیه تروریسم وجود دارد در ادامه به چند مورد به از آثار موجود به صورت اجمالی اشاره می‌شود: در مقاله‌ی «پرداختن به افسانه‌های تروریسم در آمریکا» (Silva and et al, 2020)، نویسندگان توضیح می‌دهند پس از حملات یازده سپتامبر در آمریکا پوشش رسانه‌ای، انگیزه‌های سیاسی و برداشت‌های فراوانی پیرامون

¹ Addressing the myths of terrorism in America

مسئله‌ی تروریسم شکل گرفت. به نحوی که دولت آمریکا برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی داخلی و جهان به بزرگنمایی و اغراق در شناسایی عاملان خشونت افراطی و تروریستی روی آورد و در جهت مقاصد سیاسی خود به ضدیت با اسلام و سرکوب اسلام‌گرایان پرداخت. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تاریخچه سیاست خارجی آمریکا در قبال تروریسم و پیامدهای آن در پاکستان»^۱ (Imran and Xiaochuan, 2014)، به تحلیل سیاست خارجی آمریکا در قبال تروریسم پرداخته است. در این مقاله اشاره شده است که سیاست خارجی آمریکا با عنوان «جنگ علیه تروریسم» پیامدهای منفی فراوانی بر پاکستان و اوضاع داخلی این کشور تحمیل نموده است.

در مقاله «تروریسم جهادی آمریکایی: مقایسه قتل و توطئه‌های نا موفق»^۲ (Gruenewald and et al, 2019)، بیان شده است پس از حملات یازده سپتامبر مقابله با تروریسم و پیشگیری از وقوع حملات تروریستی به اولویت اصلی اداره تحقیقات فدرال (FBI) تبدیل شده است. در این راستا به اقدامات اف بی آی در مبارزه با تروریسم و همسویی عملکرد این سازمان با وزارت امنیت داخلی آمریکا برای مهار تروریسم پرداخته شده است. در مقاله‌ای با عنوان «رویکرد روسیه به مبارزه با تروریسم»^۳ (Stepanova, 2013)، نویسنده به شرح اقدامات مقابله جویانه روسیه در برابر تروریسم پرداخته است. در این مقاله اشاره شده است که پس از حملات یازده سپتامبر روسیه نیز همگام با نظام جهانی به مخالفت و ضدیت با تروریسم و رشد افراط‌گرایی سیاسی و مذهبی پرداخت. و از این تاریخ، در نتیجه تغییر محیط بین‌المللی، روسیه تهدیدات تروریسم را به عنوان تهدید امنیتی جدید معرفی نمود. و ضرورت مقابله با آن را ابراز نمود.

مقاله «روسیه، اسلام و جنگ علیه تروریسم»^۴ (Cohen, 2017)، به ضرورت مقابله با تروریسم پس از حملات یازده سپتامبر پرداخته است. در این مقاله، اشاره شده نیروهای اسلامی رادیکال در حال گسترش در خاک روسیه و مناطق تحت نفوذ روسیه در آسیای مرکزی هستند؛ بنابراین، استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک، نظامی و امنیتی برای متوقف کردن اسلام‌گرایان رادیکال و پیشگیری از اقدامات تروریستی برآمده از اسلام سیاسی، از

¹ A History of U.S Foreign Policy Towards Anti – Terrorism its Consequences in Pakistan

² American jihadi terrorism: A comparison of homicides and unsuccessful plots

³ Russia's approach to the fight against terrorism

⁴ Russia, Islam, and the War on Terrorism

جمله اهداف رهبری روسیه می‌باشد. همانطور که گفته شد در رابطه با اقدامات ضد تروریستی روسیه و آمریکا منابع بسیاری وجود دارد، اما در مقاله پیش رو، تلاش شده است تا رویکرد ضد تروریستی آمریکا و روسیه مقایسه گردد و نقاط اشتراک و افتراق این دو کشور در زمینه مبارزه با تروریسم مشخص گردد. به عبارت بهتر، نوآوری این مقاله در بررسی چگونگی مواجهه‌ی دو کشور آمریکا و روسیه با تروریسم می‌باشد. و در همین ارتباط نویسندگان در پی تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و تبیین ادراکات ضد تروریستی این دو کشور می‌باشند.

۲. مبانی تحلیل

در دهه‌های اخیر با وقوع حادثه یازده سپتامبر و با گسترش جهانی شدن تهدیدات امنیتی ناشی از تروریسم مرزهای سیاسی و کشوری را درنوردید و نه تنها محدود به یک محدوده مکانی مشخص نشد بلکه به نوعی تهدید جهانی و فراگیر تبدیل شده است که مهار آن به یک ضرورت بین‌المللی تبدیل شده است. با این حال، اغلب مفهوم تروریسم و مقابله با آن، بازنمایی متفاوتی در سیاست خارجی دولت‌ها دارد. به گونه‌ای که هر کشور بر مبنای هویت‌های گوناگون و قرائت‌های مختلف از اصطلاح تروریسم، مصادیق متفاوت و گاه متضادی از این پدیده دارند. در این بخش از مقاله سعی شده است ابتدا یک مفهوم شناسی جامع از پدیده تروریسم ارائه گردد سپس چالش امنیتی برآمده از تعیین مصادیق تروریسم در بازنمایی سیاست خارجی آمریکا و روسیه مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱-۲. مفهوم شناسی تروریسم

اصطلاح تروریسم^۱ پیچیدگی معنایی دارد به نحوی که تعاریف مختلفی را در برمی‌گیرد و یک معنای واحد و مشخص نیست. برای مثال، یک تعریف این است «تروریسم قتل عمد، سیستماتیک، ناقص کردن و تهدید بی‌گناهان برای القای ترس به منظور دستیابی به اهداف سیاسی است. تروریسم ذاتاً شر، ضرورتاً شر و کاملاً شر است». (Harmon, 2007: 1). تروریسم به کاربرد خشونت سیاسی، تهدیدهای اجتماعی یا حمله‌های برنامه ریزی شده‌ای گفته می‌شود که با جنگ نامتعارف پیوند نزدیک دارد.

^۱ Terrorism

اقدامی گروهی و سازمان یافته است و یک استراتژی سیاسی محسوب میشود (Whittaker, 2013: 50). تروریسم به عنوان یک تاکتیک در سه زمینه اصلی به کار می‌رود: ۱- سرکوب دولتی غیر قانونی. ۲- تحریک تبلیغاتی و روانی بازیگران غیر دولتی در زمان صلح و در خارج از مناطق درگیری. ۳- جنگ نامنظم که توسط بازیگران دولتی و غیر دولتی انجام می‌شود (Schmid, 2012: 158). وزارت خارجه آمریکا تروریسم را این‌گونه تعریف کرده است: «تروریسم خشونت از پیش طراحی شده، با جهت‌گیری سیاسی بر ضد اهداف غیر نظامی از سوی گروه‌های خرده ملی و عوامل مخفی که معمولاً برای تأثیرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته می‌شود.» (Lizardo, 2008: 93). قانون فدرال ۱۹۹۸ روسیه در مورد مبارزه با تروریسم، تروریسم را به عنوان «خشونت یا تهدید به استفاده از آن علیه افراد فیزیکی یا سازمان‌ها تعریف می‌کند. استفاده از اشیاء مادی که برای جان انسان‌ها خطر ایجاد می‌کند و خسارت قابل توجهی به اموال وارد می‌کند یا پیامدهای عمومی خطرناک دیگری دارد و به منظور نقض امنیت عمومی، ایجاد رعب و وحشت در مردم یا تأثیرگذاری بر تصمیمات اتخاذ شده توسط مقامات که به نفع تروریست‌ها و برآورده کردن علایق آن‌ها انجام می‌شود» (Stepanova, 2013: 310). سازمان ملل متحد تروریسم را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر عمل عمدی که موجب خسارت و جراحت شدید غیر نظامیان شود در حالی که هدف آن ارباب و ترساندن مردم یا یک دولت یا سازمان بین‌المللی در جهت انجام کاری یا بازداشتن از انجام عملی باشد.» (Bruce, 2013: 26). وجه مشترک اکثر تعاریف که بیشتر تحلیل‌گران و صاحب‌نظران به آن اذعان دارند این است که تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی از طریق ایجاد و گسترش حس ترس، رعب و وحشت در قربانیان و غیر نظامیان به دنبال دستیابی به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک هستند (Lizardo, 2008: 93).

۲-۲. تعیین مصادیق تروریسم مدرن؛ چالش امنیتی جدید

تروریسم مدرن در پایان قرن بیستم به وجود آمد و با حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در شهر نیویورک به اوج خود رسید. مشخصه مهم تروریسم جدید حملات گسترده و تلفات جمعی، پیکربندی‌های جدید و اخلاقانه سازمانی، همبستگی‌های مذهبی فراملی و باز تعریف توجیهاات اخلاقی برای کاربرد خشونت سیاسی است (Martin,

2: 2017). بنابراین، پس از حملات یازده سپتامبر، سیاست‌گذاران جهان تروریسم را یک پدیده‌ی فراملی و تهدید شدید برای امنیت بین‌المللی اعلام کردند. و با وقوع حادثه یازده سپتامبر جهان با یک چارچوب جدیدی از درگیری که در نظام بین‌الملل بین غرب و تروریسم اسلام‌گرا رو به رو شد. این حملات نشان داد که تغییری اساسی در ماهیت و انگیزه تروریسم مبتنی بر حوزه‌ی دینی و افراط‌گرایی رخ داده است و این‌که نظام بین‌الملل بی‌ثبات‌تر و ناپایدارتر از آن چیزی است که تا قبل از یازده سپتامبر تصور می‌شده است (Smith and Zeigler, 2017: 1).

بدین ترتیب، در این مقطع زمانی، تغییرات اساسی در مفهوم تروریسم و عملیات‌های تروریستی انجام شد که عبارتند از:

- 1) توسل به دین به عنوان ابزار توجیهی برای کاربرد خشونت سیاسی؛ به جای استفاده از ایدئولوژی‌های سیاسی مانند چپ‌گرایی، راست‌گرایی و ناسیونالیسم که در تروریسم قدیمی مرسوم بود.
- 2) گسترش مدل‌های سازماندهی شبکه‌ای و انعطاف پذیر؛ به جای ساختارهای سازمانی سلسله‌مراتبی که در گذشته وجود داشت.
- 3) چرخش عملیات‌های تروریستی به سمت حداکثر کردن تعداد قربانیان و بالابردن ضریب تخریب با استفاده از روش‌های غیرانتخابی؛ به جای ترورهای هدفمند و انتخاب شده افراد مشهور در تروریسم سنتی.
- 4) اقدام به عملیات‌های در مقیاس انبوه با استفاده از وسایل غیر متعارف جنگ و سلاح‌های کشتار جمعی (Madej, 2022: 8-9).

چالش اصلی در زمینه‌ی مطالعه و تحلیل تروریسم عدم تعریف کاربردی همراه با مصادیق عینی مشخص است. این مشکل برآمده از ماهیت دینامیکی و پویای تروریسم است که همواره به اشکال، شیوه‌ها و انگیزه‌های مختلف در دوره‌های زمانی گوناگون نمایان می‌شود. از دیگر دلایل عدم اتفاق نظر در خصوص تعریف واحد از تروریسم ماهیت هرمنوتیکی و ارزشی مفهوم تروریسم است. با توجه به رویکردها و تحولات جهان در ادوار مختلف تاریخ، واژه‌ی تروریسم دچار دگرگونی‌های مختلفی شده است.



در این مقاله سعی شده است رویکرد ضد تروریستی آمریکا و روسیه و بازنمایی مصادیق تروریسم در سیاست خارجی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

اگر چه نگاه ضد تروریستی و ادراک تروریسم به عنوان یک تهدید امنیتی از دیرباز در آمریکا وجود داشته است، و ضرورت مقابله با تروریسم در نگاه بازیگر آمریکایی یک اولویت امنیتی محسوب می‌شد. اما واقعه‌ی تروریستی یازده سپتامبر یک نقطه‌ی آغازی برای شکل‌گیری گفتمان ضد تروریستی آمریکا بود. و از این تاریخ تروریسم به یک تهدید جدی علیه هویت و موجودیت آمریکا تبدیل شد. در این راستا راهکارهای مقابله با خشونت افراطی و تروریسم و پیشگیری از وقوع حوادث تروریستی در آمریکا به یک اصل مهم در سیاست‌های امنیتی و دفاعی آمریکا تبدیل گشت.

در روسیه مفهوم تروریسم با گفتمان ضد تروریستی ایالات متحده آمریکا متفاوت است. در آمریکا تروریسم در درجه اول به عنوان یک تهدید خارجی برای هویت ملی^۱ آمریکایی تلقی می‌شود. و اسلام سیاسی به عنوان یک تهدید وجودی^۲ برای فرهنگ آمریکایی در سیاست‌ها و رسانه‌های آمریکا نمود یافته است. اما در روسیه طبق یک سنت دیرینه درک تروریسم به عنوان یک پدیده‌ی داخلی وجود دارد و اقدامات تروریستی ابزاری برای تشکیل هویت ملی است. در روسیه مدرن نیز تروریسم به طور کلی با پدیده‌ی «افراط گرایی»^۳ و «تجزیه طلبی»^۴ همراه است. مثل آن‌چه در چچن اتفاق افتاده است (Samoilenko and et al, 2019: 8).

۳. ادراکات و تجربیات آمریکا در مواجهه با تروریسم

حملات تروریستی یازده سپتامبر به عنوان یک حادثه‌ی مرگبار در ایالات متحده، نگرانی‌های عمیقی برانگیخت. در پی این حادثه آمریکا غرق در گفتمان‌های رسانه‌ای، عمومی و سیاسی پیرامون تروریسم و خشونت افراطی برآمده از آن شد. از این رو، افکار عمومی به طور فزاینده‌ای بر تهدید تروریستی متمرکز شد و پدیده تروریسم به مهم‌ترین خطر در عصر مدرن تبدیل شد و تروریسم تهدیدی بزرگتر از جنگ، تهاجم، تصادف، بلایای طبیعی و فعالیت‌های مجرمانه محسوب گردید. این روایت از تروریسم

¹ National Identity

² Existential Threat

³ Extremism

⁴ Separatism

به وضع قوانین جدید ضد تروریسم، دکترین‌ها، استراتژی‌ها، برنامه‌ها، ابتکارات و اقدامات ضد تروریستی در ایالات متحده منجر شد (Silva and et al, 2020: 302-303). بعد از این حملات، ایالات متحده وزارت امنیت داخلی^۱ را ایجاد و اولین استراتژی خود را برای امنیت داخلی در ۱۶ جولای ۲۰۰۲ منتشر کرد. که هدف آن تجهیز و سازماندهی ملت آمریکا برای تأمین امنیت داخلی این کشور در مقابل حملات تروریستی بود. در این سند تروریسم به عنوان یک تهدید فوق العاده مطرح شد که مقابله با آن نیازمند هماهنگی، تمرکز و تلاش کل جامعه آمریکا شامل دولت فدرال، بخش‌های ایالتی و محلی، بخش خصوصی و مردم آمریکا است (national strategy for homeland security, 2002: vii). به طور کلی، پس از فاجعه‌ی یازده سپتامبر، مبارزه با تروریسم هدف اصلی دولت آمریکا بوده است. دولت ایالات متحده به عنوان انتقام از تروریسم سیاست «جنگ علیه ترور»^۲ را اعلام کرد. این سیاست مبتنی بر مبارزه‌ی گسترده‌ی آمریکا علیه تروریسم در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. پیگیری این سیاست در سیاست خارجی آمریکا منوط به موارد زیر است:

- ۱) هیچ‌گونه توافق، معامله و مصالحه‌ای با تروریست‌ها صورت نگیرد.
 - ۲) تروریست‌ها باید محاکمه شوند و کشورها ملزم به اخراج تروریست‌ها هستند.
 - ۳) در سراسر جهان، کشورهایی که از تروریست‌ها حمایت می‌کنند باید به تغییر سیاست‌های حمایتی خود مبادرت ورزند.
 - ۴) پتانسیل و ظرفیت‌های ضد تروریستی کشورها گسترش یابد و هر نوع کمک لازم برای مبارزه با تروریسم از طریق سازمان ملل متحد، آمریکا و متحدینش به کشورها انجام پذیرد (Imran and Xiaochuan, 2014: 1-3).
- در جدیدترین سند امنیت ملی آمریکا که در اکتبر ۲۰۲۲ منتشر شد، بیان شده است: «ما همچنان در حفاظت از کشور، مردم و تأسیسات آمریکا در خارج از کشور ثابت قدم و مصمم هستیم. با طیف کاملی از تهدیدات تروریستی در قرن بیست و یکم مواجه هستیم و همان‌طور که این تهدیدات تکامل می‌یابد بنابراین رویکرد ضد تروریسم ما نیز باید تکامل یابد. به همین منظور در سال گذشته

^۱ Homeland Security

^۲ War on Terrorism

طولانی‌ترین جنگ آمریکا در افغانستان را پایان دادیم و از مدت‌ها قبل به هدف خود در خصوص اجرای عدالت برای اسامه بن لادن و دیگر رهبران کلیدی القاعده دست یافتیم. ما به توانایی خود برای مبارزه با القاعده، داعش و نیروهای وابسته مطمئن هستیم و تضمین خواهیم کرد که افغانستان دیگر هرگز به عنوان یک پناهگاه امن برای حملات تروریستی به ایالات متحده و متحدان ما نخواهد بود» (National Security Strategy, 2022: 30). اداره تحقیقات فدرال (FBI) به عنوان یک آژانس مجری قانون فدرال مسئول جلوگیری از اقدامات تروریستی شد و موظف بود رهنمودهای جدید برای برداشتن موانع بر سر راه تحقیقات تروریستی ارائه دهد و ارتقای امنیت ملی، اشتراک‌گذاری اطلاعات و بالابردن ظرفیت‌های سازمان‌های فدرال، ایالتی، محلی و قبیله‌ای، ایجاد یک شبکه‌ی ملی و نیروهای ویژه ضد تروریسم در سراسر ایالت‌ها و مناطق اصلی مورد توجه قرار گرفت (Gruenewald and et al, 2019: 5-6). آمریکایی‌ها در سند امنیت ملی منتشر شده در سال ۲۰۲۲ اذعان می‌کنند: آمریکا در سراسر جهان همکاری و حمایت خود را از شرکای قابل اعتماد افزایش می‌دهد و استراتژی خود را از «رهبری آمریکا - حمایت شرکا»^۲ به استراتژی «رهبری شرکا - حمایت آمریکا»^۳ تغییر می‌دهد. این استراتژی جدید مستلزم ساختن یا گسترش سیستم‌هایی برای پیشگیری، شناسایی و پاسخگویی به تهدیدات در زمان وقوع است؛ از جمله توسعه و تقویت سیستم اجرای قانونی و قضایی شرکا، بهبود به اشتراک گذاری اطلاعات تهدید، تقویت امنیت مرزی، مقابله با تأمین مالی تروریسم، هدف قرار دادن پیشگیری از تروریسم، برنامه ریزی برای جداسازی افراط‌گرایان، جلوگیری از جذب آنلاین و آفلاین تروریسم و بسیج برای خشونت. و همچنین مستلزم پرداختن به ریشه‌های علل افراط‌گرایی با استفاده از اهرم‌های قدرت ایالات متحده و تلاش‌های شرکا برای حمایت از حکومت مؤثر و ایجاد ثبات و توسعه‌ی اقتصادی و حل و فصل مناقشات جاری (National Security Strategy, 2022: 30). آمریکایی‌ها معتقدند:

¹ Federal Bureau Of Investigation

² U.S.-Led, Partner-Enabled

³ Partner-Led, U.S.-Enabled

استراتژی مقابله با تروریسم داخلی ما را به درک بهتر پدیده تروریسم و اشتراک گذاری اطلاعات در مورد تهدیدات تروریستی داخلی، مختل کردن و جلوگیری از فعالیت‌های تروریست‌های داخلی و هر گونه پیوندهای فراملی تروریستی توانمند می‌سازد. ضمن این‌که احترام به حقوق و آزادی‌های مدنی را تقویت می‌کند. در حال حاضر ما در حال ارائه بیشتر و بهتر اطلاعات در مورد تهدیدات تندروانه و خشونت آمیز داخلی به شرکای فدرال، ایالتی، ارضی، قبیله‌ای، غیر دولتی و خصوصی با استفاده از مکانیسم‌های جدید مانند برنامه‌های کاربردی مبتنی بر گوشی‌های هوشمند هستیم. ما میلیون‌ها دلار برای تلاش در جهت پیشگیری از خشونت سرمایه گذاری می‌کنیم. برای مقابله با افراط‌گرایان تروریست ما با همفکران خود از قبیل دولت‌ها و جامعه مدنی از طریق تحقیقات نوآورانه همکاری می‌کنیم. از جمله اقدامات مقابله جویانه ما با شرکت کنندگان در تهدیدات خشونت آمیز داخلی عبارت است از: همکاری با کنگره برای پیشبرد قوانین و سیاست‌های اسلحه و رسیدگی به بحران انتشار اطلاعات نادرست که از طریق رسانه‌های اجتماعی و سایر پلتفرم‌های رسانه‌ای که منجر به افراط‌گرایی و سوق دادن افراد به خشونت می‌شود (National Security Strategy, 2022: 31).

۴. ادراکات و تجربیات روسیه در مواجهه با تروریسم

در اتحاد جماهیر شوروی اقدامات تروریستی انجام شده در این کشور یا علیه اهداف شوروی در خارج از کشور استثناها و در موارد نادر بود اما روسیه پس از فروپاشی شوروی نگرانی خود را در مورد تروریسم به عنوان یک تهدید امنیتی بزرگ در بسیاری از برهه‌های تاریخی ابراز کرده است، همانطور که شهروندانش ابراز داشته‌اند. با استناد به مشکلات دوران گذار روسیه پس از فروپاشی شوروی باید گفت، ساختار سیاسی که برای چند سال با مکانیسم مؤثر حکومتی جایگزین نشده بود، بحران طولانی اقتصادی، به حاشیه راندن بخش‌های بزرگی از مردم عادی شده است. جرم‌انگاری جامعه، احیای تنش‌های بین قومیتی، رشد افراط‌گرایی سیاسی و مذهبی، فقدان ایدئولوژی حتی

«نهیلیسم اخلاقی»^۱ به عنوان عوامل ایجاد تروریسم در روسیه می‌باشد (Stepanova, 2013: 303). حملات «فوق تروریستی»^۲ یازده سپتامبر در ایالات متحده و کمپین ضد تروریستی جهانی به رهبری ایالات متحده مهمترین تحول بین‌المللی است که تأثیر عمیقی بر رویکرد کلی روسیه در مبارزه با تروریسم داشته است و پیامدهای مهم برای منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی گسترده تر این کشور به دنبال داشته است. برخلاف ایالات متحده و برخی دیگر از کشورهای غربی، برای روسیه از ۱۱ سپتامبر از نظر ارزیابی مجدد مقیاس تهدید ناشی از حملات تروریستی علیه جمعیت غیرنظامی کمتر تغییر کرده است. در آن زمان، روسیه تقریباً به حملات تروریستی مکرر علیه شهروندان خود عادت کرده بود. آنچه برای ارزیابی تهدید روسیه پس از ۱۱ سپتامبر تغییر کرده است، توازن تهدیدات است. این نتیجه تغییر محیط بین‌المللی است که تا ۱۱ سپتامبر ایجاد شد و منجر به تغییر توجه بین‌المللی به سمت «تهدیدهای امنیتی جدید»^۳ و به سمت تهدیدات جدید روسیه شد (Stepanova, 2013: 306).

روسیه از ابتدا و به ویژه از زمان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر تأکید کرده است که تلاش‌های ضد تروریستی این کشور در قفقاز شمالی بخشی از مبارزه بین‌المللی علیه تروریسم است. مسکو به طور فزاینده‌ای بر اهمیت مشارکت خود در همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مقابله با تروریسم تأکید کرده است. مداخله‌ی روسیه در جنگ سوریه نیز به طور رسمی به عنوان یک عملیات ضد تروریسم معرفی شد، بنابراین، روسیه نیز به طور گسترده تری خود را در معرض تروریسم بین‌المللی در خارج از کشور قرار داده است. همکاری روسیه در مقابله با امروزه تروریسم عمدتاً در چارچوب سازمان همکاری شانگهای^۴ انجام می‌شود. از آنجایی که موضوع مبارزه با تروریسم به ویژه پس از یازده سپتامبر در دستور کار جهانی قرار گرفته است، دولت روسیه نیز مشارکت خود را در ساختارهای بین‌المللی مبارزه با تروریسم در سازمان ملل و همچنین در مجامع دیگر افزایش داده است (Hedenskog, 2020: 11). روسیه در زمینه مبارزه با تروریسم در سازمان‌های مختلف همکاری می‌کند. دو مورد از این سازمان‌ها توسط روسیه و سایر

¹ Moral nihilism

² Super-terrorist

³ New security threats

⁴ Shanghai Cooperation Organization

کشورهای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد: کشورهای مشترک المنافع مستقل (CIS) سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO). CIS در سال ۲۰۰۰ یک مرکز ضد تروریسم (ATC) را در مسکو تأسیس کرد. اعضا در مورد اشتراک اطلاعات، بهبود ترتیبات امنیتی، آموزش مشترک برای تلاش‌های ضد تروریسم، هماهنگی فرماندهی و کنترل، و عملیات استقرار سریع ضد تروریسم توافق کردند (Hedenskog, 2020: 27). در سند امنیت ملی فدراسیون روسیه که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد؛ در بحث روندها و فرصت‌های پیش روی روسیه در دنیای مدرن بیان شده است: امنیت دولتی و عمومی، تمامیت ارضی و حاکمیت کشور به اندازه کافی تضمین شده است و سطح فعالیت‌های تروریستی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. بر این اساس، در زمینه‌های مهمی از حل مناقشات، مبارزه با تروریسم و افراط گرایی، قاچاق مواد مخدر، جنایات سازمان یافته، شیوع بیماری‌های عفونی، تضمین امنیت اطلاعات بین‌المللی، حل چالش‌ها و مسائل زیست محیطی، همکاری‌های چندجانبه به عنوان تضمین امنیت برای همه‌ی کشورها از جمله در اروپا صورت گرفته است (National Security Strategy, 2021: 4,6).

رویکرد ضدتروریسم روسیه هنوز هم در سازمان‌ها، روش‌ها و نگرش‌ها با میراث شوروی و کمونیستی مشخص می‌شود. مبارزه با تروریسم در روسیه دولت محور است و به جای منافع شهروندان عادی، بر منافع دولت تأکید دارد. توجه بسیار کمی - اگر وجود داشته باشد - به جنبه‌های حقوق بشر و تلفات غیرنظامیان در مبارزه با تروریسم می‌شود. این مورد نیز زمانی است که با پیشگیری از تروریسم، هم در داخل و هم در داخل همکاری بین‌المللی، مانند تلاش در سازمان ملل برای جلوگیری از افراط گرایی خشونت آمیز سروکار دارد. به گفته روسیه، به جای جلوگیری از ظهور تروریسم جدید، تمرکز باید روی از بین بردن تروریسم موجود باشد (Hedenskog, 2020: 37).

۵. مقایسه روند مواجهه آمریکا و روسیه با تروریسم

همانگونه که اشاره شد، آمریکا و روسیه نسبت به تروریسم و تهدیدات امنیتی بر آمده از آن احساس خطر نموده و خود را ملزم به رویایی با این پدیده و مقابله با آن نموده‌اند.

¹ Collective Security Treaty Organization



در این قسمت از پژوهش نگارنده در پی آن است که به مقایسه رویکرد ضد تروریستی دو کشور و بررسی نحوه‌ی مواجهه‌ی آنها با تروریسم بپردازد. این مهم با هدف مشخص شدن اولویت‌های متفاوت و مواضع مشترک روسیه و آمریکا در مبارزه با تروریسم صورت گرفته است. از این رو، در ابتدا سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور و تفاوت در عملکرد آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در ادامه به مواردی از همسویی عملکرد ضد تروریستی طرفین هر چند به صورت محدود و مقطعی اشاره شده است.

۵-۱. اولویت‌های منطقه‌ای متفاوت آمریکا و روسیه

عملکرد مقابله جویانه آمریکا و روسیه علیه تروریسم برگرفته از منافع و اهداف امنیتی این دو کشور در مناطق مختلف می‌باشد. موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ی خاورمیانه و منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز موجب شده که تحولات این مناطق همواره در کانون توجه آمریکا و روسیه باشد. سیاست مقابله با تروریسم و ایجاد سد دفاعی در برابر خطر تروریسم در این مناطق از سوی آمریکا و روسیه با هدف دستیابی به منافع و گسترش نفوذ و سلطه‌ی خود انجام شده است. بنابراین باید گفت، گرچه آمریکا و روسیه هر دو در این مناطق راهبرد مقابله با تروریسم را اجرا نموده‌اند؛ اما از آنجا که اولویت‌های متفاوتی را مدنظر دارند به تبع تجربیات متفاوتی نیز خواهند داشتند. در ادامه عملکرد دو کشور علیه تروریسم در خاورمیانه و آسیای مرکزی تشریح و مورد بررسی مقایسه‌ای قرار گرفته است.

۵-۲. اهداف ضد تروریستی آمریکا و روسیه در خاورمیانه

فضای سیاسی و امنیتی ناآرام منطقه‌ی خاورمیانه همواره بستر مناسبی برای شکل‌گیری، رشد و گسترش جریان‌های افراطی و تروریستی بوده است. گروه‌های تروریستی با ریشه‌های اعتقادی و مذهبی و با رویکردهای جهادی و خشن در این منطقه وجود دارد. داعش یکی از همین گروه‌ها می‌باشد که مهم‌ترین و خطرناک‌ترین گروه تروریستی در خاورمیانه بوده است که سال‌های زیادی بخش‌هایی از سوریه و عراق را تحت سیطره خود داشته است. بنابراین، وجود گروه تروریستی داعش در منطقه‌ی خاورمیانه و مسائل امنیتی متأثر آن، علاوه بر کشورهای منطقه، برای کشورها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای ایجاد

حساسیت نمود و آن‌ها را وادار به عکس‌العمل و اتخاذ مواضع مقابله جویانه با این جریان تکفیری - تروریستی کرد.

پس از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، ضدیت آمریکا با بنیادگران اسلامی و افراط‌گرایان به حدی پیش رفت که آمریکا در پی مقاصد خود و برای همراه‌سازی افکار عمومی جهانی، به اسلام‌هراسی و مخدوش کردن چهره‌ی واقعی اسلام پرداخت. در تحقیقی که به تحلیل ابزارهای رسانه‌ای آمریکا برای مقابله با تروریسم اشاره کرده است؛ برای مثال در بررسی نزدیک به ۱۴۰ موردی که روزنامه نیویورک تایمز از تاریخ ۱ ژوئن ۲۰۱۴ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۱۴ در مورد اسلام و مسلمانان منتشر کرده است؛ مشخص گردید که تمرکز اصلی بر موضوعات تروریسم و افراط‌گرایی بوده است و برجسته‌ترین گروه‌های تروریستی داعش و القاعده بودند. این روزنامه برای پوشش اخبار، فیلم‌ها و عکس‌های مرتبط با تروریسم از کلید واژه‌ی اسلام و مسلمانان استفاده کرده است و تفکیکی بین اسلام واقعی و داعش و القاعده قائل نشده است و در عین حال قتل‌های داعش علیه مسلمانان و ضدیت اکثریت قاطع مسلمانان با داعش را نادیده گرفته است و فقط بر اقدامات تروریستی داعش علیه مردم آمریکا و اروپا و تهدیدی که برای آن‌ها از طرف داعش وجود دارد پرداخته است (Alzyoud, 2022: 204).

براین اساس، باید گفت، پیشگیری از وقوع حملات تروریستی و تهدید تروریسم جهادی ستیزه جو از زمان حملات یازده سپتامبر به اولویت اصلی سیاست خارجی آمریکا و اداره تحقیقات فدرال (FBI) تبدیل شد (Gruenewald and et al, 2019: 1). از سال ۲۰۱۱ ایالات متحده آمریکا در قبال ناآرامی‌ها و مقابله با تروریسم در سوریه سیاست‌هایی اتخاذ کرده است. از جمله اهدافی که آمریکا در جریان بحران داخلی سوریه دنبال می‌کند عبارتند از:

- حمایت از تلاش‌های مردمی سوریه برای پاسخگویی و حکمرانی مؤثر.
- محدود کردن یا جلوگیری از استفاده از نیروی نظامی توسط بازیگران دولتی و غیر دولتی علیه غیرنظامیان.
- کاهش تهدیدات فراملی ناشی از گروه‌های افراطی اسلام‌گرا مستقر در سوریه.

- تأمین نیازهای بشردوستانه آوارگان داخلی و خارجی سوری.
- محدود کردن اثرات منفی مداخلات خارجی در سوریه و ثبات موازنه قدرت بین‌المللی.
- جلوگیری از استفاد از سلاح‌های شیمیایی (Humud and Blanchard, 2020: 29).

بدین جهت همواره مقابله با تروریست‌های جهادی یک اصل مهم امنیتی در ایالات متحده محسوب می‌شود. در استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۷، سازمان‌های تروریستی جهادی را به عنوان خطرناک‌ترین تهدید تروریستی آمریکا مطرح می‌کند. و مقابله با این متعصبانی که دیدگاه‌های توتالیتری را برای سبک خلافت جهانی اسلام پیش می‌برند و قتل و برده داری را توجیه و سرکوب را ترویج و از جمعیت‌های آسیب پذیر بهره برداری می‌کنند را هدف آمریکا و متحدان استراتژیک آمریکا می‌داند. در این سند آمده است که حتی پس از شکست داعش و القاعده در سوریه و عراق تهدید تروریست‌های جهادی ادامه خواهد داشت زیرا بسیاری از پیروان این تروریست‌های جهادی احتمالاً به کشورهای خود باز خواهند گشت و می‌توانند به طرح و راه‌اندازی هسته‌های ترور ادامه دهند. بنابراین، آمریکا و متحدان و شرکای خود به جلوگیری از فعالیت و برهم زدن برنامه‌های تروریست‌های جهادی و گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران از جمله حزب الله لبنان می‌پردازند (National Security Strategy of the United States of America, 2017:10-11).

در سند امنیت ملی آمریکا (۲۰۲۲) چنین آمده است: «در صورت لزوم، ما از زور برای برهم زدن و تخریب گروه‌های تروریستی که در حال توطئه برای حمله به ایالات متحده، مردم ما، یا تأسیسات دیپلماتیک و نظامی ما در خارج از کشور هستند؛ استفاده خواهیم کرد. ما این کار را مطابق با قوانین داخلی و بین‌المللی و به گونه‌ای انجام خواهیم داد که تلفات غیر نظامیان را به حداقل برساند در حالی که شفافیت و مسئولیت پذیری بیشتر را ترویج می‌کند. ما متعهد هستیم در چارچوب همکاری با کنگره برای جایگزینی مجوزهای قدیمی در یک چارچوب محدود و خاص و مناسب برای اطمینان از محافظت از آمریکایی‌ها در مقابل تهدیدات تروریستی، از نیروی نظامی استفاده کنیم.

برای مختل کردن توطئه‌های تروریستی که شهروندان ما را تهدید می‌کند، باید اطلاعات بین ایالات، گروه‌های محلی و قبیله‌ای و شرکای سرزمینی و بخش خصوصی به اشتراک گذاشته شود. ما با یک تهدید فزاینده و قابل توجه در داخل از سوی طیف وسیعی از افراط‌گرایان خشن از جمله آن‌هایی که با انگیزه تعصب نژادی یا قومی و همچنین انگیزه‌های ضد حکومتی و ضد اقتدار دارند، مواجه هستیم» (National Security Strategy, 2022: 31).

روسیه نیز همواره به دلایل امنیتی و برای مصون نگه داشتن مناطق تحت نفوذ خود همچون آسیای مرکزی و قفقاز از خطر داعش، و نیز با هدف گسترش حوزه نفوذ خود در خاورمیانه و توازن قوای منطقه‌ای، به موضع‌گیری در قبال داعش و بالاخص نقش آفرینی در بحران سوریه اقدام نموده است.

در بخش دفاع ملی سند امنیت ملی روسیه (۲۰۲۱)، اشاره شده است: در منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا و افغانستان به علت تضعیف سیستم‌های امنیتی منطقه‌ای شرایط گسترش تروریسم و افراط‌گرایی بین‌المللی همواره وجود دارد. بنابراین، دفاع از فدراسیون روسیه و حفظ یکپارچگی و مصونیت قلمرو آن از تنش‌ها و درگیری‌های مناطق دیگر، به منظور آمادگی برای دفاع مسلحانه باید سازماندهی شود. هدف اصلی دفاع ملی، ایجاد شرایط صلح آمیز و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی فدراسیون روسیه و تضمین امنیت نظامی روسیه از خطرات احتمالی است (National Security Strategy, 2021: 12). روسیه دارای منافع اقتصادی و استراتژیک مهمی در خاورمیانه است. و خاورمیانه و منافع روسیه در این منطقه یک گام بزرگ برای بازسازی و احیای قدرت روسیه محسوب می‌شود. از این رو، روسیه همواره تقویت همکاری‌های دوجانبه با کشورهای منطقه و در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و نظامی مبادرت نموده است. بر این اساس حضور و وجود گروه‌های تروریستی و داعش در خاورمیانه و به خصوص در سوریه یک نگرانی عمیق برای روسیه محسوب می‌شد. برای روسیه حفظ رژیم بشار اسد در سوریه اهمیت زیادی دارد چون سوریه از موقعیت مهم استراتژیک و ژئوپلیتیکی برخوردار است و یکی از معدود متحدان وفادار روسیه در خاورمیانه است. بدین ترتیب، مقابله با مخالفان بشار اسد و سرکوب داعش یک اولویت امنیتی برای روسیه محسوب



می‌شود. از منظر دیگر مبارزه با داعش در سوریه، از نفوذ و گسترش این جریان تروریستی به مناطق جنوبی روسیه و قفقاز شمالی جلوگیری به عمل می‌آید (Song, 2017: 95). از سپتامبر ۲۰۱۵ روسیه در کنار نیروهای مسلح سوریه علیه تروریسم می‌جنگد و روسیه همواره حمایت خود را از بشار اسد اعلام کرده است. چهار مورد عامل انگیزه‌ی اصلی این حمایت می‌باشد: نخست، نیروهای سوری در خطر از دست دادن کنترل آخرین بقایای ملت بودند که روسیه تصمیم به مداخله گرفت. برآوردهای روسیه حاکی از آن بود که سوریه در آن زمان تنها ۱۰ درصد از خاک خود را تحت کنترل داشت. به نظر می‌رسید که اقدام عملی نکردن وعده پایان دادن به رژیم اسد را می‌دهد، رژیمی که مدت‌ها حامی روسیه بود. دوم، روسیه برای دهه‌ها درگیر خاورمیانه بوده است، از شخصیت‌های استبدادی متعددی در آنجا حمایت کرده است، و قصد ندارد مزیت و نفوذی را که طی سال‌ها ایجاد کرده اند را از بین ببرد. این نه تنها شامل پایگاه‌های دریایی روسیه در شرق مدیترانه می‌شود، بلکه دسترسی به منابع متعدد سوریه (فسفات، نفت و غیره) را نیز شامل می‌شود. سوم، حمایت از اسد به تعادل آنچه که کرملین معتقد است تلاش غرب برای بازی قدرت در منطقه است کمک می‌کند. حضور روسیه اعتبار این کشور را در جهان نیز افزایش می‌دهد. در نهایت، و شاید مهم‌تر از همه، رهبری روسیه معتقد است که بهتر است با افراط‌گرایان در سوریه، مقابله کرد. اگر آن‌ها در سوریه متوقف نشود، تروریست‌ها ممکن است تصمیم بگیرند در امتداد مرز جنوبی روسیه حمله کنند. کرملین آگاه است که چندین هزار نفر از شهروندان و ساکنان آسیای مرکزی در سوریه در کنار افراط‌گرایان رادیکال جنگیده اند و به کشورشان باز خواهند گشت و این زنگ خطری برای گسترش تروریسم به روسیه و آسیای مرکزی می‌باشد (Thomas, 2020: 3).

یکی از کشورهای مهم در خاورمیانه برای روسیه، افغانستان می‌باشد. از دیدگاه روسیه، خطرات امنیتی، وجود تروریسم تکفیری و جهادی و بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان نیز یک تهدید امنیتی برای روسیه و آسیای مرکزی به عنوان حیاط خلوت روسیه محسوب می‌شود. نگرانی دیگر در خصوص افغانستان، مربوط به جریان پناهنجویان این کشور که می‌تواند عاملی برای نفوذ عناصر رادیکال به روسیه و ورود

غیرقانونی مواد مخدر به روسیه باشد. بنابراین، روسیه با توجه به ملاحظات امنیتی خود خواهان ثبات هر چه بیشتر در افغانستان و ارتقای موقعیت امنیتی در این کشور است. از این رو، روسیه با هدف تأمین امنیت خود و مناطق تحت نفوذش به دنبال حکومت طالبان و استقرار یک حکومت با ثبات در افغانستان است. مشارکت با طالبان برای مهار گروه‌های تروریستی رقیب مانند داعش در افغانستان و گرفتن تضمینی برای عدم تبدیل شدن افغانستان به پناهگاه جهادی‌ها و گروه‌های تروریستی و کاهش قاچاق مواد مخدر؛ از جمله راهکارهای روسیه در قبال افغانستان می‌باشد (Janse, 2021: 11).

همانگونه که توضیح داده شد، آمریکا و روسیه در مقاطع تاریخی مختلف و بالاخص پس واقعه‌ی یازده سپتامبر خواهان حضور گسترده و مستقیم در منطقه‌ی خاورمیانه و اثرگذاری بر جریان‌ات موجود در منطقه با هدف دستیابی به منافع و انگیزه‌های خود هستند. بنابراین، گرچه این دو کشور مبارزه با تروریسم و خشونت افراطی را بهانه‌ی اصلی حضور در خاورمیانه بیان می‌کنند ولی در عمل می‌توان مشاهده نمود که علایق و اهداف سیاسی، اقتصادی و نظامی عدیده‌ای در منطقه‌ی خاورمیانه دنبال می‌کنند. برای مثال، هدف روسیه برای مقابله با تروریسم در خاورمیانه جلوگیری از گسترش و نفوذ داعش و تکفیری‌ها به آسیای مرکزی و قفقاز است. در مقابل آمریکا نیز با بهانه‌ی مبارزه با تروریسم حضور خود در منطقه‌ی خاورمیانه را توجیه می‌کند. در جدول زیر به گونه‌ای تطبیقی به مهم‌ترین اهداف روسیه و آمریکا از حضور در خاورمیانه و نقش آفرینی در تحولات این منطقه، اشاره شده است:

جدول مقایسه اهداف آمریکا و روسیه در خاورمیانه

کشور	اهداف سیاسی	اهداف اقتصادی	اهداف نظامی
روسیه	<ul style="list-style-type: none"> - مهار و کاهش افراط‌گرایی و رادیکالیسم اسلام‌گرا - حمایت از رژیم‌ها و کشورهای دوست در منطقه. - ایجاد ائتلاف‌های پایدار با کشورهای دوست و همسو. - جلوگیری از نفوذ تروریسم به آسیای مرکزی 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش حضور نظامی در منطقه. - ایجاد پایگاه‌های نظامی. - گسترش حضور و نقش روسیه در بازارهای تسلیحاتی و نظامی. - انعقاد قراردادهای نظامی. 	<ul style="list-style-type: none"> - جذب سرمایه از کشورهای ثروتمند خلیج فارس. - حضور در بازارهای نفت و گاز و مواد غذایی. - حمایت از قیمت انرژی و گسترش مناسبات اقتصادی.
آمریکا	<ul style="list-style-type: none"> - ستیز با اسلام سیاسی و مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی. - پیشبرد فرآیند صلح خاورمیانه. - تأمین و تضمین منافع اسرائیل. - مقابله با کشورها و نیروهای شبه نظامی مخالف آمریکا. - گسترش دموکراسی و سکولاریسم در منطقه. 	<ul style="list-style-type: none"> - حضور نظامی گسترده و مستقیم در منطقه. - ایجاد و گسترش پایگاه‌های نظامی دریایی، هوایی و زمینی. - نقش آفرینی در بازارهای تسلیحاتی و هسته‌ای. 	<ul style="list-style-type: none"> - تضمین امنیت جریان انتقال انرژی از خاورمیانه به آمریکا. - انحصار در تأثیر گذاری بر بازارهای نفت و گاز. - حمایت و همگرایی اقتصادی با کشورهای تولید کننده نفت و گاز.

منبع: نگارندگان

۳-۵. اهداف ضد تروریستی روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز

آسیای مرکزی یکی از مناطقی است که بیشترین اولویت را در سیاست خارجی روسیه دارد. عوامل اصلی اهمیت این منطقه برای روسیه عبارتند از: وجود ذخایر غنی منابع حیاتی مانند نفت و گاز در این منطقه، مسیرهای ترانزیتی استراتژیک منطقه، پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی با روسیه (Włodkowska-Bagan and Stepniewski, 2012: 1). مهم‌ترین اهداف روسیه برای حضور در آسیای مرکزی نیز شامل موارد زیر می‌باشد:

- مهار و کاهش نفوذ سایر بازیگران فرامنطقه‌ای.
- تضمین ثبات در منطقه.
- دسترسی نامحدود به منابع طبیعی آسیای مرکزی.
- دسترسی به امکانات خاص حمل و نقل منطقه.
- تضمین حضور نظامی روسیه در منطقه.
- حل و فصل اختلافات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر.
- حفظ و ابقای رهبران همسو با منافع روسیه.
- تشویق کشورهای آسیای مرکزی برای پیوستن به نهادهای چندجانبه تحت سلطه روسیه (Włodkowska-Bagan and Stepniewski, 2012: 5).

استراتژی روسیه در این منطقه مخالف استراتژی غرب است. روسیه نقش مهمی در اکتشاف، بهره برداری، توسعه و حمل و نقل منابع انرژی ایفا می‌کند. نقش روسیه در صادرات گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان گام بسیار مهمی در سیاست روسیه در قبال منطقه است. روسیه همچنین از موقعیت استراتژیک خود برای حفظ سلطه خود در منطقه استفاده می‌کند. موقعیت جغرافیایی روسیه این فرصت را برای او فراهم می‌کند تا مسیرهای خط لوله برای صادرات ذخایر نفت و گاز به بازارهای جهانی را کنترل کند. روسیه بر ایفای نقش مهمی در پروژه‌های انرژی در کشورهای آسیای مرکزی متمرکز است، به عنوان مثال در تاجیکستان و قرقیزستان، روسیه یکی از سهامداران مهم است. بنابراین روسیه برای تامین منافع خود تلاش می‌کند منطقه را در مدار خود قرار دهد تا

افراط‌گرایی و تروریسم را از این کشورها ریشه کن کند) (Fatima and Zafar, 2020: 633). یک مسئله مهم دیگر در آسیای مرکزی که می‌تواند تهدیدی علیه امنیت روسیه باشد را می‌توان «نارکو تروریسم»^۱ دانست. نارکو تروریسم برای اقدامات تروریستی از جمله ترور، آدم ربایی و مبارزه مسلحانه در برابر پلیس کشورهای متبوع که از سوی سوداگران مواد مخدر صورت می‌گیرد، به کار گرفته می‌شود (Bjornehed, 2004: 305-306). کشورهای آسیای مرکزی برای ایجاد نیروهای واکنش سریع، نیروهای مشترک دفاع هوایی و همچنین انجام اقدامات ضد تروریسم همکاری می‌کنند. در سازمان همکاری شانگهای نیز در مورد مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مؤظفند با روسیه همکاری کنند. لازم به ذکر است که جلوگیری از گسترش تروریسم ممکن است بهانه‌ای برای تشدید فعالیت روسیه در منطقه باشد. ایجاد سازمان شانگهای این امکان را برای روسیه و چین فراهم کرده است تا بر اعضای ضعیف تر خود فشار بیاورند. این راهی برای ایجاد توازن قوا در منطقه برای مقابله با حضور آمریکا بود (Włodkowska, 2012: 8). رادیکالیسم مذهبی در روسیه یکی از مهم‌ترین تهدیدات امنیتی است زیرا شورش‌ها در قفقاز شمالی همچنان ثبات را در منطقه به چالش می‌کشند. دولت روسیه عمدتاً از دریچه عملیات ضد تروریستی به این موضوع پرداخته است، در حالیکه اکثر روایت‌های ضد افراط‌گرایی تهدید را به عنوان یک پدیده وارداتی توصیف می‌کنند. مفهوم اسلام رادیکال در روسیه ناخواسته با درگیری‌های چین و قفقاز شمالی مرتبط است. سلفی‌گری در روسیه به طور گسترده به عنوان وهابیت شناخته شده است. پدیده‌ای که دولت روسیه آن را با تروریسمی که گمان می‌رود توسط فرستادگان القاعده به قفقاز شمالی وارد شده است، درگیری‌ها در چین به عنوان یک عملیات ضد تروریستی با هدف از بین بردن ایدئولوژی افراطی وهابی انجام شد. پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، درگیری در قفقاز شمالی به عنوان بخشی از جنگ جهانی علیه ترور و علیه القاعده مطرح شد. امروزه عملیات‌های ضد تروریستی متعددی در منطقه قفقاز و چین علیه عوامل داعش انجام می‌شود (Pokalova, 2019: 1). آمریکا به عنوان هژمون نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد به یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در

¹ Narco-Terrorism

آسیای مرکزی تبدیل شد. هدف اصلی آمریکا از حضور در آسیای مرکزی افزایش نفوذ و کنار زدن رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است تا این کشورها با یک رهبری واحد با هم متحد نشوند و قدرتی واحد کنترل منطقه را در دست نگیرد. خط مشی اصلی سیاست خارجی آمریکا در آسیای میانه و قفقاز مهار روسیه از طریق عضویت این کشورها در ناتو می‌باشد (Brzezinski, 1997: 156). علاوه بر این، دیگر اهداف آمریکا در آسیای مرکزی عبارتند از:

- تضمین کنترل سلاح‌های هسته‌ای و حذف آن‌ها از منطقه.
 - شکست تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی.
 - تروریج دموکراسی و جامعه‌ی مدنی.
 - حمایت از خصوصی‌سازی و ایجاد اقتصادهای بازار آزاد در منطقه.
 - کمک به حل و فصل مناقشات قفقاز.
 - ادغام کشورهای منطقه در جامعه‌ی بین‌المللی و جهانی (Ziegler, 2013: 487).
- آمریکا از استراتژی‌های مختلفی برای مهار انحصار روسیه استفاده می‌کند. این امر می‌تواند با تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، ارتقای فعالیت‌های اقتصادی و با توسعه شبکه خطوط لوله نفت و گاز که می‌تواند برای دو منظور افزایش تجارت و فعالیت اقتصادی، انتقال ذخایر انرژی منطقه به غرب مورد استفاده قرار گیرد. انگیزه اصلی آمریکا که مهار روسیه و چین است را می‌توان از طریق ارتقاء یکپارچگی منطقه‌ای به دست آورد. اگر کشورهای منطقه‌ای منزوی باقی بمانند یا هر فرصتی برای پیوند دادن اقتصاد خود به بازار جهانی از آن‌ها سلب شود، نمی‌توانند نقش خود را ایفا کنند. از طریق فعالیت اقتصادی، بهره‌برداری روسیه از منابع طبیعی مهار می‌شود. آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی پایگاه دارد. این پایگاه‌ها تحت عنوان مبارزه با تروریسم و با حضور در منطقه ایجاد شده است که آمریکا از مسیرها و راه‌های ارتباطی کشورهای منطقه بهره‌برداری می‌کند. منطقه آسیای مرکزی پس از آغاز جنگ آمریکا علیه تروریسم اهمیت زیادی یافت. رویکرد آمریکا علیه تروریسم، دوران جدیدی از فرصت‌ها را برای آسیای مرکزی به ارمغان آورد (Fatima and Zafar, 2020: 635-636). آمریکا دارای منافع مهم اما نه حیاتی در قفقاز است که شامل حفظ ثبات منطقه می‌شود. جلوگیری از سرگیری

درگیری‌های منجمد؛ و حمایت از تغییرات دموکراتیک و حکومت داری بهتر. درحالی که ژئوپلیتیک قفقاز از منظر روسیه محوری تلقی می‌شود، مسائل این منطقه برای امریکا مشکلات بسیار دورتر تلقی می‌شود. از این نظر، سیاست آمریکا در قبال قفقاز انگیزه اصلی دیگری دارد که به این واقعیت گره خورده است که از دیدگاه ایالات متحده، این منطقه به تنهایی ارزشمند نیست. بلکه به عنوان یک انجمن که از طریق آن امریکا می‌تواند روی معمای امنیتی و سیاست خارجی گسترده‌تر کار کند، ضروری است. امریکا به طور کلی به نظم بین‌المللی توجه بیشتری دارد و تحولات اوراسیا را به طور خاص از منظر جاه طلبی‌های روسیه، ایران و ترکیه و همچنین چالش تروریسم می‌نگرد. بنابراین، مسائل قفقاز به عنوان بخشی از پازل‌های ژئوپلیتیک بزرگتر (خاورمیانه بزرگ، منطقه وسیع‌تر دریای سیاه، سیاست انرژی و دموکراسی سازی و مبارزه با تروریسم) تلقی می‌شود. در نتیجه، ما شاهد عدم تقارن مشخصی از اهمیت منطقه برای دو قدرت هستیم (Markedonov and Suchkov, 2020: 4). همانطور که اشاره شد، آمریکا و روسیه در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز نیز به رقابت با یکدیگر در جهت دستیابی به منافع خود مشغولند. این دو کشور در پی افزایش نفوذ خود در آسیای مرکزی و مهار سلطه‌ی طرف مقابل در این منطقه هستند. آمریکا و روسیه پدیده‌ی تروریسم و افراط‌گرایی در آسیای مرکزی را محکوم می‌کنند و استراتژی‌هایی برای مبارزه با تروریسم در دستور کار دارند. زیرا وجود تروریسم در منطقه ثبات و امنیت را مختل می‌کند و به تبع منافع این دو کشور نیز مختل می‌شود. آمریکا در منطقه‌ی قفقاز نیز خواهان نقش آفرینی است. روسیه نیز با توجیه مبارزه علیه تروریسم شورش‌های جدایی طلبی و استقلال خواهی در مناطق قفقاز شمالی و چین را سرکوب می‌کند. به عبارت دیگر، روسیه و دولت ولادیمیر پوتین در پی تضعیف استقلال خواهان از طریق سرکوب و مبارزه با آنان و مقابله با اسلام‌گرایی رادیکال در این منطقه می‌باشد و در واقع، سیاست‌های جدید روسیه، موقعیت ملی‌گرایی در چین را تضعیف می‌کند.

۴-۵. مواضع ضد تروریستی مشترک آمریکا و روسیه

از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، روابط روسیه و آمریکا از مهم‌ترین مشکلات بین‌المللی بوده و بیش از هر رابطه دیگری بر سیاست بین‌المللی و حتی روابط سایر

دولت‌ها تأثیر گذاشته است. بخش عمده این اهمیت به پیامدهای سیستمی آن برای نظام جهانی و مشکلات سیاسی و امنیتی باز می‌گردد. زیرا تأثیرات روابط این دو کشور بر نظام بین‌الملل و مشکلات مختلف آن در حوزه‌های مختلف می‌تواند به شکل‌گیری بحران‌ها یا پایان یافتن آن کمک کند (Ghobadi Gholoujeh, 2021: 78). دوران جنگ سرد جهان شاهد تلاش برای ایجاد قدرت و هژمونی در مقیاس جهانی بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود. در واقع، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، هم مردم روسیه و هم کشورهای تازه استقلال یافته خود را در فرآیند جدیدی یافتند. علاوه بر این، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا از سوی روس‌ها به عنوان یک رقیب ایدئولوژیک و استراتژیک تلقی می‌شد. پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، روسیه نیز همچون دیگر کشورهای جهان پیام‌های حمایتی به آمریکا ارسال کرد و در حمایت از ایالات متحده آمریکا این حملات تروریستی رو محکوم کرد (COBAN, 2021: 96).

یازده سپتامبر نه تنها برای همکاری بین‌المللی در زمینه مبارزه با تروریسم، به ویژه در سازمان ملل، بلکه به صورت دوجانبه بین روسیه و ایالات متحده نیز باز شد. رئیس جمهور روسیه پوتین یکی از اولین رهبران خارجی بود که مستقیماً با پرزیدنت بوش تلفنی صحبت کرد. وی در این تماس تلفنی با رئیس جمهور و مردم آمریکا تسلیت گفت و از هر گونه پاسخی که رئیس جمهور آمریکا تصمیم بگیرد حمایت صریح خود را اعلام کرد. پس از ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده به طور قابل توجهی نرم شد انتقاد از اقدامات خشن روسیه روش‌های تروریستی در چین و از چینی‌ها خواست بدون قید و شرط تمام تماس‌های خود را با گروه‌های تروریستی بین‌المللی مانند اسامه بن لادن و القاعده قطع کنند (Hedenskog, 2020: 26).

در واقع، در پی حملات تروریستی یازده سپتامبر، برداشت از تهدید خشونت‌آمیز اسلام‌گرایان رادیکال در هر دو سوی اقیانوس اطلس واضح‌تر شد. کرملین و دیگر بازیگران کلیدی روسیه مانند سرویس‌های امنیتی و نظامی، همگام و همراه با غرب و ایالات متحده آمریکا در پی یافتن مسیر مناسب برای مقابله با تهدید تروریسم برآمدند. پوتین بنیادگرایی اسلامی را تهدیدی بزرگ برای روسیه می‌دانست. روس‌ها به ابراز احساسات



و همدردی با آمریکا پرداختند. جانبداری از غرب در زمینه مبارزه با تروریسم، مزایای دیگری مانند افزایش سرمایه گذاری خارجی، سهم بیشتر از بازارهای جهانی و درک بین‌المللی بیشتر برای موضع روسیه در مورد چین را به همراه داشت. همچنین تمایل روسیه برای همکاری با ایالات متحده آمریکا در مأموریت‌های جستجو و نجات، کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و سایر مناطق مرکزی را تشویق و ترغیب کرد که به ایالات متحده آمریکا اجازه دهند از کریدورهای هوایی و پایگاه‌های نظامی این کشورها برای مبارزه با تروریسم استفاده کند (Cohen, 2017: 561-562).

موافقت روسیه به استفاده ناتو از فضای هوایی روسیه و کشورهای آسیای مرکزی برای عملیات امداد و نجات و پشتیبانی از آمریکا برای سرکوب تروریسم و حمله به افغانستان، مساعدت در استقرار نظامیان پنتاگون در آسیای مرکزی و تأسیس اداره ضدتروریسم در صدر دستور کار امنیتی جدید خود، اسباب دیگری در روند بهبود و گسترش روابط با آمریکا و ناتو فراهم آورد. در مقابل آمریکا هم مبارزه روسیه علیه استقلال‌طلبان چینی را مورد حمایت قرار داد (Kramer, 2012: 208). علی‌رغم این همکاری‌های کوتاه مدت، غربی‌ها بر این باورند که روسیه به طور فزاینده‌ای از بهانه‌ی مبارزه با تروریسم به عنوان ابزاری برای تقویت نفوذ و افزایش سطح همکاری‌های بین‌المللی روسیه در سایر نقاط جهان استفاده کرده است. و حمایت روسیه از مقابله با تروریسم موضوع بخشی از ۲۰ قرارداد همکاری نظامی این کشور بوده است. براین اساس، روسیه از طریق معرفی خود به عنوان یک بازیگر ضد تروریسم تمایل خود را برای ایجاد ائتلافات بین‌المللی با غرب اعلام کرده است. در حالیکه غرب و آمریکا حسن نیت روسیه در مبارزه با تروریسم را زیر سؤال می‌برند و اشاره می‌کنند برای مثال حضور روسیه در جنگ سوریه گرچه با عنوان مبارزه علیه تروریسم مطرح شد اما در بسیاری از جهات به تقویت تروریسم و افزایش سطح خشونت افراطی در سوریه انجامیده است (Hedenskog, 2020: 24). بدین ترتیب، اگر چه روسیه پس از حوادث یازده سپتامبر ضمن محکوم کردن تروریسم، بر سیاست مسالمت‌آمیز خود با آمریکا تأکید و توسعه مناسبات دوجانبه در قالب سیاست تنش‌زدایی و همکاری بین‌المللی با توجه به مسئولیت ویژه دو کشور در حفظ امنیت بین‌الملل اشاره و خواستار گسترش

همکاری‌ها در همه زمینه‌ها گردید واقعیت این است که این تعاملات مقطعی و کوتاه مدت بود و نمی‌توان آن را همکاری‌های مشترک دو کشور نامید. زیرا به طور کلی منافع دو ابر قدرت غرب و شرق در نظام بین‌الملل در وضعیت تضاد و واگرایی قرار دارد.

نتیجه‌گیری

تروریسم از دیرباز در جوامع و کشورهای مختلف با انواع و ابعاد مختلف وجود داشته است. در عصر حاضر و پس از واقعه‌ی یازده سپتامبر مسئله‌ی تروریسم ابعاد گوناگونی یافته است و گستردگی موضوع تروریسم فراتر از مرزهای ملی کشورها و به سطح جهانی و بین‌المللی کشیده است. به نحوی که امروزه تروریسم به عنوان یک تهدید و بحران بین‌المللی شناخته می‌شود که حوزه‌های مختلف موضوعی و سازوکارهای بسیاری را درگیر خود ساخته است. از این رو، ضرورت مقابله با تروریسم و تلاش برای سرکوب و نابودی گروه‌های تروریستی و هسته‌های اصلی آن، به دغدغه‌ی مهم و اساسی همه‌ی دولت‌ها در نظام بین‌الملل تبدیل شده است. رویکرد مقابله جویانه کشورهای مختلف، نشأت گرفته از هویت و ماهیت این کشورها و نوع تعبیر آنان از «خود» و «دیگری» و نیز تفسیر خاص آنان از تروریسم و شناسایی مصادیق تروریسم می‌باشد. پیشتر در مباحث قبل بیان شد که تروریسم از جمله مسائل و موضوعاتی که یک تعریف جامع و مشخص در مورد آن وجود ندارد و تا کنون یک اجماع معرفتی در زمینه شناخت تروریسم و گروه‌های تروریستی در نظام بین‌الملل ایجاد نشده است. در این مقاله اشاره شد که دو کشور آمریکا و روسیه درصدد دسترسی و امکان فراهم آوردن رویکردی مناسب برای چگونگی مواجهه با پدیده تروریسم و مبارزه با آن است. در این راستا گفته شد که آمریکا و روسیه مبارزه با تروریسم در منطقه‌ی خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز را دنبال می‌کنند. زیرا این مناطق ارزش حیاتی دارند و تحولات و جریانات موجود در خاورمیانه و آسیای مرکزی با منافع آمریکا و روسیه پیوند دارد. و خواهان افزایش نفوذ و تسلط بر این مناطق هستند و با اتخاذ سیاست‌های ضد تروریستی در پی دستیابی به منافع خود هستند. حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، دوره‌ی جدیدی از سیاست خارجی آمریکا را رقم زد. همانگونه که اشاره شد، جرج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا راهبرد جدید سیاست خارجی این

کشور را مبتنی بر مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی اعلام کرد. در پی اعلام استراتژی جدید آمریکا، توجه و تمرکز این کشور بر منطقه‌ی خاورمیانه و دولت‌ها و گروه‌های بنیادگرای موجود در این منطقه معطوف شد. و اهداف امنیتی خود را در منطقه خاورمیانه به طور چشم‌گیری افزایش داد. مبارزه با تروریسم، حضور نظامی گسترده در منطقه، مقابله با دولت‌های مخالف منافع آمریکا در خاورمیانه از جمله جمهوری اسلامی ایران، مخالفت با اسلام سیاسی و رشد و گسترش بنیادگرایی اسلامی و مبارزه با تروریسم جهادی بخشی از اهداف ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه می‌باشد. روسیه نیز با اهداف مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی خواهان نقش آفرینی در تحولات خاورمیانه می‌باشد و برای مثال، جلوگیری از ورود از تروریسم به آسیای مرکزی و قفقاز، گسترش روابط سیاسی، تشکیل ائتلاف سیاسی، افزایش مناسبات اقتصادی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در خاورمیانه برای برقراری توازن قدرت در مقابل غرب از جمله مهم‌ترین اهداف روسیه برای حضور در خاورمیانه می‌باشد. منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیز از اهمیت بالایی برای روسیه برخوردار است. و روسیه به مقابله با گروه‌های تروریستی در این مناطق می‌پردازد زیرا حضور این گروه‌های افراطی و جدایی طلب زنگ خطری برای امنیت روسیه است. در مقایسه با روسیه، آمریکا حساسیت کمتری نسبت به تحولات آسیای مرکزی دارد و مهم‌ترین هدفش در این منطقه مهار قدرت و کاهش تسلط روسیه از طریق عضویت کشورهای این منطقه در ناتو می‌باشد. در مجموع برای بررسی مقایسه سیاست منطقه‌ای دو کشور می‌توان گفت، این دو کشور توجه زیادی به تحولات مناطق خاورمیانه و آسیای مرکزی دارند اما همانگونه که در مقاله شرح آن رفت، منطقه‌ی خاورمیانه برای آمریکا ارزش حیاتی و اهمیت بیشتری دارد و در مقابل روسیه برای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز اولویت و اهمیت بیشتری قائل است.

منابع

- Alzyoud, Shlash (2022), "The US Media Coverage of Islam and Muslims in the Wake of the ISIS Emergence". **Eximia**, 4(1), 195-208.
- Bjornehed, Emma (2004), "Narco-Terrorism: The Merger of the War on Drugs and the War on Terror". **Global Crime**, 6(3,4). 305- 324.
- Bruce, Gregor (2013), "Definition of terrorism social and political effects". **Journal of Military and Veterans Health**, 21(2), 26-30.

- Brzezinski, Zbigniew (1997), **The Grand Chessboard: American Primacy and its Geostartegic Imperatives**, New York: Basic Books.
- Çoban, Önder (2021), "USA – Russia Relations in the Obama Period: Reflections of Reset Policy". **Uluslararası İlişkiler Çalışmaları Dergisi**, 1(2), 94-110.
- Cohen, ARIEL. (2017), "Russia, Islam, and the War on Terrorism". **Archived from the original**, 556- 567.
- Fatima, Qamar and Zafar, Sumera (2020), "New Great Game: Players, Interests, Strategies and Central Asia". **South Asian Studies**, 29(2). 623-652.
- Ghobadi Gholoujeh, Yousef (2021), "The Effect of Probable Alignment of America in Trump Era (2016-2020) in Fighting against Daish on the Foreign Policy of Arabia". **Acta Universitatis Danubius. Relationes Internationales**, 14(1), 78-90.
- Gruenewald, Jeff, Klein, Brent R., Freilich, Joshua D. and Chermak, Steven (2019), "American jihadi terrorism: A comparison of homicides and unsuccessful plots". **Terrorism and Political Violence**, 31(3), 516-535.
- Harmon, Christopher C (2007), "Terrorism Today, London: Frank Class Publishers". available at: <https://www.researchgate.net/publication/286896869>
- Hedenskog, Jakob (2020), "Russia and International Cooperation on Counter-Terrorism". Available at: https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/65949624/Russia_and_International_Cooperation_on_Counter_Terrorism-libre.pdf
- Humud, Carla E. and Blanchard, Christopher M (2020), "Armed conflict in Syria: Overview and US response. Library of Congress Washington DC". available at: <https://apps.dtic.mil/sti/pdfs/AD1172024.pdf>
- Imran, Ali and Xiaochuan, Dong (2014), "A History of U.S Foreign Policy Towards Anti – Terrorism its Consequences in Pakistan". **International Journal of History and Philosophical Research**, 2(2), 1-16.
- Janse, Diana (2021), "Russian Interests in Afghanistan". **Sceus Report**, No 1. 1-13. available at: <https://www.ui.se/globalassets/ui.se-eng/publications/sceus/russian-interests-in-afghanistan.pdf>
- Kramer, Mark (2012), "Archival Policies and Historical Memory in the Post – Soviet Era". **Demokratizatsiya**, 20(3), 204-215.
- Lizardo, Omar (2008), "Defining and Theorizing Terrorism: A Global Actor Centered Approach". **Journal of World-Systems Research**, XIV(2), 91-118.
- Madej, Marek (2022), "The New Terrorism Revisited: Some Remarks on Terrorism Evolution and Its Strategic Significance After 9/11". **Studia Politologiczne**, vol. 63, 7-23.
- Markedonov, Sergey M. and Suchkov, Maxim A. (2020), "Russia and the United States in the Caucasus: cooperation and competition". **Caucasus Survey**, 8(2), 1-17.
- Martin, Gus (2017), "Types of terrorism". **In Exchanging Terrorism Oxygen for Media Airwaves: The Age of Terroredia**, 81-95. IGI Global.

- Mohammadian, Mehdi, Mahkoui, Hojjat, Falahi, Sara, & Zain al-Abidin Amouqin, Youssef. (1400). Analyzing the impact of the emergence of ISIS on the state of energy economy in Syria and Israel. **International Relations Research**, 11(3), 31-68. doi: 10.22034/irr.2021.299628.2027
- National Security Strategy of the Russian Federation (2021), available at: https://paulofilho.net.br/wpcontent/uploads/2021/10/National_Security_Strategy_of_the_Russia.pdf
- National Security Strategy of the United States of America (2017), available at: <https://trumpwhitehouse.archives.gov/2017/12>
- National Security Strategy of the United States of America (2022), available at: <https://www.whitehouse.gov/uploads/2022/10>
- National Strategy for Homeland Security (2002), available at: http://www.dhs.gov/xlibrary/assets/nat_strat_hls.pdf
- Pokalova, Elena (2019), "Islamic Radicalization in Russia's North Caucasus: Lessons from Russia's Handling of Religious Revival". **Journal of Balkan and Near Eastern Studies**, 21(2), 1-24.
- Samoilenko, Sergei A, Logunova, Olga, Davydov, Sergey, and Shiraev, Eric (2019), "The Mediated Image of Islam and ISIS in US and Russian Newspapers as a Reflection of Anti-Terrorist Policies". 1-25.
- Schmid, Alex. P (2012), "The revised academic consensus definition of terrorism". **Perspectives on Terrorism**, 6(2). 158-159.
- Silva, Jason R., Duran, Celinet, Freilich, Joshua D and Chermak, Steven M. (2020), "Addressing the myths of terrorism in America." **International Criminal Justice Review**, 30(3). 302-324.
- Smith, Meagan and Zeigler, Sean M (2017), "Terrorism before and after 9/11—a more dangerous world?". **Research and Politics**, 4(4), 1-8.
- Song, Niu (2017), "International Game between the Obama Administration of the US and Russia in the Fight against the " Islamic State". **Security Strategies Journal**, 13(26), 85-111.
- Stepanova, Ekaterina (2013), "Russia's approach to the fight against terrorism". **In Russia as a Great Power**. 319-340.
- Thomas, Timothy (2020), "Russian Lessons Learned in Syria". **MITRE Center for Technology and National Security June**, 18. 1-27.
- Whittaker, David. (2013), **Terrorism: Understanding the global threat**. London: Routledge.
- Włodkowska-Bagan, A. and Stępniewski, T. (2012), "Russian foreign policy towards Central Asia". **The New Great Game in Central Asia**, Lublin, 1-16.
- Ziegler, Charles E. (2013), "Central Asia, the Shanghai Cooperation Organization, and American Foreign Policy: From Indifference to Engagement". **Asian Survey**, 53(3), 484-505.